

کارآفرینی بود که برای کشور ارزآوری میلیون دلاری داشت و او نیز مانند بقیه از تمام محدودیت‌های فراوانی که برای مهاجرین افغانستانی وجود داشت رنج می‌برد. موارد این چنینی نشان می‌دهد سیاست‌های ما در حوزه مهاجرین اساساً به سمت مؤثرتر شدن نرفته است

گرفتن گرانی و بدتر شدن اوضاع اقتصادی، آمار بازگشت به افغانستان افزایش پیدا می‌کند. یا مثلاً با تسهیل شرایط بازگشت مهاجرین توسط دولت‌های افغانستان، موج بازگشت را شاهدیم. جالب‌تر اینکه در هفته‌های اول کرونا و با انتشار یک شایعه درباره ممنوعیت دریافت واکسن کرونا برای اتباع و همچنین پذیرش بیماران اتباع در بیمارستان‌های ایران، سیصد هزار نفر طی دوسه هفته به افغانستان برگشتند، بعد وقتی دیدند کرونا در افغانستان هم کم‌کم در حال شیوع است و در ایران هم مشکلی با پذیرش بیماران مهاجر وجود ندارد، دوباره به ایران بازگشتند. کما اینکه در آن روزها اداره اتباع اعلام کرد: «ما هر سال حدوداً سی هزار نفر مهاجر غیرقانونی را در مرزهای کشور رد مرز می‌کردیم، اما الان روزی بیست هزار نفر را در مرزها رد مرز می‌کنیم!». نکته بعدی پدیده مهاجرت فصلی است. یعنی جمعیت مهاجرین در فصل‌های گرم سال کم می‌شود و در فصل‌های سرد افزایش پیدا می‌کند. آنهایی که افغانستان رفته باشند، می‌دانند که چرا در فصول سرد، افغانستان جای ماندن نیست؛ بخصوص اگر کسی زمستان را در خانه‌های گزاشی شده در ایران تجربه کرده باشد، در این صورت نه فقط افغانستان، که زندگی در هیچ‌کدام از کشورهای همسایه مثل لبنان، پاکستان و عراق را به اینجا ترجیح نمی‌دهد. به همین خاطر در این فصول، میزان مهاجرت بالاست، مثلاً حدود پانصد هزار نفر می‌روند و دوباره برمی‌گردند. پس اصل مطلب این است که باید از این گره خوردگی شدید میان دو جامعه درک درستی داشت.

## فقدان واقع‌بینی و فرصت‌محوری

آمار رسمی از جمعیت مهاجرین در ایران که به واسطه سرشماری اخیر به دست آمده است، توسط معاون وقت امنیتی وزارت کشور اعلام شد که گفتند: پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که حدوداً هفتصد هزار نفر به دلایل مختلف در سرشماری شرکت نکرده‌اند و آمار رسمی نظام، وجود حدوداً پنج میلیون مهاجر افغانستانی در ایران را تأیید می‌کند؛ البته در برآوردهای دانشگاهی و غیررسمی پیش‌بینی می‌شود که میزان مهاجرین بیش از اینها باشد. به هر صورت مسأله اینجاست که پنج میلیون عدد بسیار بزرگی است و اگر این آمار را در نسبت با آمار حدوداً ۷-۸ میلیون نفری کل مهاجرین از افغانستان به کشورهای دیگر بررسی کنیم، پیداست که بخش بزرگی از مهاجرت افغانستانی‌ها را عملاً ایران به دوش می‌کشد. در واقع دلایلی مثل سرنوشت مشترک، اتصال جغرافیایی، مرز طولانی و نوع ارتباطات و میزان آمیختگی تاریخی دو ملت، سبب شده است که بیشترین بار این مهاجرت روی دوش ایران باشد. همچنین سیاست‌های کلان کشور سبب ارائه خدمات گسترده‌ای به مهاجرین افغانستانی شده است، اما متأسفانه در استفاده از این ظرفیت‌ها و فرصت‌ها چندان موفق نبوده‌ایم.

در مستندی که اخیراً درباره فعالیت کارآفرینان مهاجر ساخته شده بود، نکته بسیار عجیبی وجود داشت: کارآفرینی بود که برای کشور ارزآوری میلیون دلاری داشت و او نیز مانند بقیه از تمام محدودیت‌های فراوانی که برای مهاجرین افغانستانی وجود داشت رنج می‌برد. موارد مختلف دیگری از این دست وجود دارد که نشان می‌دهد سیاست‌های ما در حوزه مهاجرین اساساً به سمت مؤثرتر شدن نرفته است. در صورتی که کشورهای اروپایی و امریکا دقیقاً برخلاف ما سیاست‌هایی برای تشویق به مهاجرت و ماندن نخبگان دارند و در مقابل، ما در حال فرصت‌سوزی هستیم.